

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پژوهشنامه تربیت انقلابی

سال اول، شماره ۱ (شماره پیاپی ۱) پاییز و زمستان ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع) - مرکز آموزش علویون

مدیر مسئول: دکتر علی پور خزائی

سرمدیر: دکتر بهمن زارعی

مدیر اجرایی: دکتر بهزاد جلالوند

تنظیم و صفحه آرایی: احمد غینری

چاپ و صحافی: مرکز چاپ بلاغ

شمارگان: ۱۰ نسخه

قیمت: ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال

نشانی دفتر نشریه: قم، میدان هفتاد و دو تن، به سمت اراک، ابتدای پل شهید دستغیب،

مرکز آموزش عمومی افسری و تربیت پاسداری علویون

شماره دفتر نشریه: ۰۲۵۳۱۱۲۹۱۴۸

نشانی پست الکترونیکی نشریه: b.zaree@ihuo.ac.ir

اعضاء گروه دبیران (هیأت تحریریه)

جایگاه در نشریه	نام و نام خانوادگی	جایگاه شغلی
مدیر مسئول	دکتر علی پور خزائی	فرمانده مرکز آموزش علویون
سر دبیر	دکتر بهمن زارعی	مدیر پژوهش علویون
مدیر اجرایی	دکتر بهزاد جلالوند	مدیر اجرایی فصلنامه انسان پژوهی دینی
عضو هیات تحریریه	دکتر اسحاق طاهری	استاد تمام دانشگاه علوم اسلامی شهید محلاتی
عضو هیات تحریریه	دکتر شریف لکزایی	دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
عضو هیات تحریریه	دکتر مرتضی شیرودی	دانشیار پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)
عضو هیات تحریریه	دکتر علیرضا میرزایی	دانشگاه جامع امام حسین (ع)
عضو هیات تحریریه	دکتر داود بصارتی	دانشیار دانشگاه علوم اسلامی شهید محلاتی
عضو هیات تحریریه	دکتر محمد بهزاد	استاد یار دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)
عضو هیات تحریریه	دکتر محمد علی معیل	استاد یار دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)
عضو هیات تحریریه	دکتر علی جان مرادی جو	استاد یار دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)

داوران این شماره از فصلنامه

مبانی و اهداف تربیت سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره)

علی مرادی بهمنی^۱

چکیده

تربیت سیاسی به عنوان یکی از ارکان توسعه اجتماعی و فرهنگی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این راستا، دیدگاه امام خمینی (ره) به عنوان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، در زمینه تربیت سیاسی نسل جوان و تأثیر آن بر شکل‌گیری هویت سیاسی جامعه، مورد توجه قرار می‌گیرد. امام بر ضرورت تربیت نسلی آگاه و متعهد به اصول اسلامی و سیاسی تأکید داشته و نقش نهاد خانواده و نظام آموزشی را در این فرآیند حیاتی می‌داند. با توجه به اهمیت تربیت سیاسی در تداوم انقلاب اسلامی، بررسی مبانی و اهداف آن از منظر امام خمینی (ره) ضروری است. هدف این پژوهش بررسی مبانی و اهداف تربیت سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره) است. این مقاله سعی دارد تا با تحلیل نظرات امام، اهداف کلیدی تربیت سیاسی را شناسایی کند. روش تحقیق این پژوهش، توصیفی-تحلیلی می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بر اساس اندیشه‌های امام خمینی (ره) مبانی تربیت سیاسی عبارت‌اند از توحید محوری، فطرت محوری، تزکیه محوری و اخلاق محوری است که اهدافی از قبیل خدامحوری، حفظ نظام سیاسی، توسعه و رشد سیاسی و استقلال سیاسی و فرهنگی باید دنبال شود تا این مبانی در افکار و اندیشه‌های جامعه تبلور عینی داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: تربیت، تربیت سیاسی، خدامحوری، تزکیه محوری، امام خمینی (ره).

مقدمه و بیان مسئله

تعلیم و تربیت از زمانی که موضوع نهادهایی گردید که فراتر از فرد و خانواده بود، بُعد سیاسی به خود گرفت. در دورانی که خانواده به تنهایی مسئول تعلیم و تربیت جوانان بود، بر ارزش‌ها، آگاهی‌ها و مهارت‌های مورد نیاز زندگی و کار در خانواده و سازمان‌های اجتماعی تأکید می‌شد. زمانی که گروه‌بندی اجتماعی پیچیده و متنوع‌تر شد و چیزی شبیه به یک حکومت یا کشور پدید آمد، نیاز به تعلیم و تربیتی که به تقاضاهای عضویت در یک واحد اجتماعی وسیع‌تر توجه می‌کرد نیز رو به افزایش گذاشت؛ بنابراین واحدهای اجتماعی پیشرفته‌تر نیازمند شیوه‌هایی از تعلیم و تربیت هستند که افراد را نه تنها برای عضویت یا شهروندی که برای رهبری یک واحد سیاسی آماده سازند. تربیت سیاسی در طول تاریخ بشر همواره در کانون توجه فلاسفه تعلیم و تربیت بوده است. نظام سیاسی - اجتماعی امروز نیز نیازمند تربیت سیاسی افراد به‌ویژه نسل جوان جامعه است. تربیت سیاسی مطلوب باعث افزایش آگاهی شهروندان برای زیست در عرصه حیات عمومی می‌شود.

هر نظام سیاسی برای ایجاد پیوند میان حاکمیت و توده مردم، افزایش مشارکت سیاسی شهروندان، کسب محبوبیت، ایجاد روحیه وفاداری و نیل به اهداف سیاسی مورد نظر فعالیت‌هایی انجام می‌دهد که از آن با عنوان تربیت سیاسی یاد می‌شود. تربیت سیاسی متناسب با فرهنگ سیاسی، نوع نظام سیاسی، ویژگی‌های جامعه‌شناختی و نظام مذهبی متفاوت است.

در جهان پیچیده و متکثر امروز که صورت‌بندی نظام‌های سیاسی متنوع است بحث تربیت سیاسی امری بسیار پیچیده و دشوار است. زیست در جهان درآمیخته که حاصل تقابل دو سپهر اندیشه خدامحور و سپهر اندیشه اومانیستی است، پیچیدگی مناسبات سیاسی، اجتماعی، مذهبی را به دنبال دارد. ظهور اندیشه‌های رادیکال و گروه‌های افراطی در هر دو سپهر اندیشه باعث توجه بیشتر نظام‌های سیاسی به موضوع تربیت سیاسی می‌شود. ارتباط نهادهای تربیتی با نظام‌های سیاسی قدمتی به طول تاریخ بشر دارد. از گذشته تاکنون دانشمندان و صاحب‌نظران بسیاری پیوند میان نهادهای آموزشی و نهاد قدرت و سیاست را مورد تأکید قرار داده‌اند. در هر نظام سیاسی نهادهای تربیتی به‌طور عام و نهادهای آموزشی به‌طور خاص متولی امر تربیت سیاسی شهروندان هستند. نظام آموزشی در واقع منعکس‌کننده ویژگی‌های نظام سیاسی است.

تربیت سیاسی مطلوب باعث افزایش آگاهی شهروندان برای زیست در عرصه اجتماع می‌شود. این آگاهی ضمن انتقال دانش‌ها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و فرهنگ سیاسی باعث پذیرش جامعه سیاسی توسط شهروندان می‌شود. در شرایط کنونی تربیت سیاسی مطلوب مورد غفلت قرار گرفته است و نهادهای تربیتی در این زمینه از پتانسیل موجود بهره کافی نبرده‌اند و همین امر انگیزه محقق در این پژوهش بوده است. برای رسیدن به جامعه‌ای با ویژگی‌های اسلامی و مردم‌سالار، نهادهای تربیتی و آموزشی می‌توانند با ارائه آموزش‌های مناسب، شرایط را برای رشد آگاهی و کسب مهارت‌های شناختی هم چون تفکر انتقادی، تحلیل ارزش‌ها و مهارت‌های شرکت در فرآیندهای گروهی به وجود آورند.

در این نوشتار مبانی و اهداف تربیت سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره) مورد بررسی قرار می‌گیرد. امام خمینی (ره) به عنوان نظریه پرداز سیاسی مبتنی بر احکام شریعت اسلام و پرچم دار حکومت سیاسی مبتنی بر فقه سیاسی اسلام، از مهم ترین چهره‌های سیاسی و مذهبی جهان اسلام در قرن بیستم است که تأثیر بسزایی در فلسفه تعلیم و تربیت در قرن اخیر داشته است. از این رو، پرسش اصلی این پژوهش چنین است که مبانی و اهداف تربیت سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره) کدامند و هر کدام از این‌ها ناظر بر چه اندیشه‌ای بنا شده‌اند؟ بر اساس این نوشتار، پژوهش حاضر ضمن بررسی سیر تاریخی و دیدگاه‌ها و نظریه‌های تربیت سیاسی به عنوان مبانی نظری، توجه ویژه‌ای به مبانی و اهداف تربیت سیاسی از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) دارد و این نکته را برجسته می‌کند که اساسی ترین مسئله در اندیشه ایشان، محوریت توحید در تمام شئون سیاست و تربیت است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

تحقیق در مورد مبانی و اهداف تربیت سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره) از چندین جنبه دارای اهمیت و ضرورت است:

۱. **پایداری نظام جمهوری اسلامی:** تربیت سیاسی به عنوان یک فرآیند حیاتی در تداوم انقلاب اسلامی ایران شناخته شده است. با توجه به نقش کلیدی این فرآیند در پایداری نظام، شناخت دقیق مبانی نظری آن از منظر امام خمینی (ره) می‌تواند کمک شایانی به توسعه برنامه‌های آموزشی کشور کند.
۲. **ارتقای آگاهی سیاسی:** تربیت سیاسی نه تنها انتقال ارزش‌های حاکمیتی را تسهیل می‌کند، بلکه سطح آگاهی شهروندان را نیز ارتقا می‌دهد. این موضوع سبب افزایش مشارکت فعالانه افراد در فرایندهای

دموکراتیک خواهد شد.

۳. پاسخگویی به نیازهای روز جامعه: با توجه به چالش‌های متعدد جهانی که جوامع مختلف با آن مواجه هستند، نیاز مبرم احساس می‌شود تا برنامه‌های آموزشی کشورمان بر اساس رویکردهایی نوین‌تر بازنگری شوند تا بتوانیم پاسخگویی نیازهای روز جامعه باشیم.

۴. تأثیرگذاری بر نسل جدید: نسل جدید که تحت تأثیر فناوری اطلاعات قرار دارد، نیازمند برنامه‌هایی است که بتواند آن‌ها را برای مشارکت فعالانه در فرایندهای اجتماعی آماده کند؛ بنابراین شناخت دقیق مبانی تربیتی از دیدگاه امام خمینی (ره) کمک شایانی خواهد کرد تا بتوانیم برنامه‌هایی متناسب با شرایط امروز طراحی کنیم.

با توجه به موارد فوق‌الذکر، انجام این تحقیق نه تنها ضروری است بلکه می‌تواند گامی مهم برای توسعه پایدار نظام جمهوری اسلامی باشد.

تعریف و تبیین مفهوم تربیت سیاسی

در مورد تربیت سیاسی^۱ تعاریف متفاوتی با توجه به افق دید اندیشمندان و متفکرین مختلف وجود دارد. تعاریف زیر را به عنوان نمونه از تربیت سیاسی ارائه می‌کنیم:

کازامیاس و ماسیالاس^۲ تربیت سیاسی را فرآیندی می‌دانند که از طریق آن افراد جهت‌گیری سیاسی خود را نسبت به جامعه کسب می‌کنند. گاتمن^۳ نیز تربیت سیاسی را به معنای پرورش و ایجاد ویژگی‌ها، آگاهی‌ها و مهارت‌های لازم برای مشارکت تعریف می‌کند (به نقل از نصیری، ۱۳۹۳). تربیت سیاسی پرورش فضایل دانش و مهارت‌های موردنیاز برای مشارکت سیاسی و آماده کردن اشخاص برای مشارکت آگاهانه در بازسازی آگاهانه جامعه است (الیاس، ۱۳۸۵: ۱۸۰). تربیت سیاسی به معنای پرورش و انتقال آزادانه و آگاهانه مهارت‌ها، ویژگی‌ها و آگاهی‌هایی است که باعث رشد احساس مسئولیت و مشارکت فعال در مسائل سیاسی می‌شود و توانایی نقد، ارزیابی نظارت بر مسائل سیاسی را به منظور پیشگیری از بروز انحرافات احتمالی حکومت، از موازین و آرمان‌های موردنظر آن‌ها ایجاد می‌کند (شعاری نژاد، ۱۳۷۵: ۲۹۳).

1. Political Education

2. Casamias and Masyalas

3. Guttman

می‌توان تربیت سیاسی یا تربیت‌پذیری سیاسی را مترادف با جامعه‌پذیری سیاسی گرفت و درباره آن می‌توان گفت که تربیت سیاسی یعنی «فرایندی که به‌وسیله آن، افراد در جامعه‌ای معین با نظام سیاسی آشنا می‌شوند و درک آن‌ها تا اندازه قابل‌توجهی از سیاست و واکنش‌هایشان نسبت به پدیده‌های سیاسی تعیین می‌گردد» (عیسی نیا، ۱۳۸۷: ۵۴). بنابراین تربیت‌پذیری سیاسی یعنی بازشناختن اقتدار فردی و نهادی که باید از راه گرایش‌ها، نگرش‌ها، دانش‌ها و ارزش‌های جامعه از نسلی به نسل دیگر منتقل شود؛ آن هم به واسطه تربیت‌کنندگان که بر اساس برنامه‌ای سنجیده و هدف‌دار درصدد تحقق چنین اهدافی هستند.

امام خمینی (ره) در اهمیت تربیت سیاسی در دین اسلام به واژگانی مانند معنویت، جامع بودن دین اسلام، تربیت اسلامی، اسلام و سیاست اشاره می‌کند و بر همه‌جانبه بودن نگاه دین اسلام به مقوله تربیت تأکید دارند: «اسلام فقط عبادت نیست؛ فقط تعلیم و تعلّم عبادی و امثال این‌ها نیست. اسلام سیاست است. اسلام از سیاست دور نیست. اسلام، یک مملکت، یک حکومت بزرگ به وجود آورده است؛ یک مملکت بزرگ به وجود آورده است. اسلام یک رژیم است، یک رژیم سیاسی است. منتها سایر رژیم‌ها از بسیاری از امور غافل بودند و اسلام از هیچ‌چیز غافل نیست؛ یعنی اسلام انسان را به همه ابعاد که انسان دارد، تربیت می‌کند: بُعد مادی دارد، راجع به بُعد مادی تصرفاتی دارد، بُعد معنوی دارد، راجع به معنویات صحبت دارد. بالاتر از آن دارد؛ بالاتر از این صحبت دارد» (صحیفه نور، ج ۵: ۳۱).

امام خمینی (ره) سیاست^۱ را تدبیر، مدیریت و رشد و پرورش دادن و هدایت کردن افراد جامعه به مصالح دنیوی و اخروی می‌داند. در دیدگاه امام (ره) موضوع سیاست همان تربیت است نه قدرت و اساس عالم را بر تربیت انسان می‌داند (صحیفه نور، ج ۱۴: ۱۵۳). سیاست به معنای حقیقی در منظر امام (ره) مدیریت، توجیه و نظم دهی به زندگی انسان‌ها در مسیر حیات معقول است (جعفری، ۱۳۷۱: ۴۰). امام (ره) بین تربیت و سیاست جدایی نمی‌بیند و سیاست را همانند فلاسفه مسلمان دیگر مانند فارابی و ابن‌سینا از مقوله حکمت عملی می‌داند و حکمت عملی را بیان راهکارها و ارزش‌ها و چگونگی تحقق آن‌ها می‌داند و از این‌رو سیاست در منظر امام (ره) تبدیل به ارزش می‌شود و با فضیلت مرتبط می‌شود (فتحی، ۱۳۸۸: ۱۶۷-۱۶۵).

تربیت^۱ در دیدگاه امام (ره) از اهمیت خاصی برخوردار است به گونه‌ای که هدف تشکیل حکومت اسلامی تحقق تربیت انسان کامل و همه جانبه است. مهم ترین اهداف پیامبران، پرورش انسان‌ها بر اساس دین توحیدی است و سیاست هم جز جدایی ناپذیر این نظام فکری است؛ زیرا برای پرورش چنین انسانی و تحقق چنین تربیتی بر اساس دین توحیدی نیاز به حکومتی است که به دنبال تحقق چنین اهدافی باشد و امام (ره) سیاست را به معنای راهبری انسان و جامعه در مسیر هدایت الهی می‌داند و تأکید می‌کند که حکومت‌های غیرتوحیدی که به دست غیر انبیاء ایجاد شدند بینش‌شان در حد طبیعت است و بیش از آن شعاع بینش‌شان نمی‌تواند ببیند. امام (ره) تأکید می‌کند که آن‌ها نمی‌توانند مراتب و مسیر انسان را که از طبیعت شروع می‌شود تا مافوق طبیعت و تا جایی که انسان به مقام الوهیت می‌رسد را ببیند (صحیفه نور، ج ۸: ۴۱). امام بیان می‌کند که حکومت‌های غیرتوحیدی اصلاً کاری به این‌که مردم الهی بشوند، ندارند، بلکه تمام هم‌وغم آن‌ها این است که کسی کاری انجام ندهد که به مصالح و حکومتشان ضرر برساند اما انبیاء به انسان کار دارند و به دنبال تربیت انسان چه در خلوت و چه در جلوت هستند (صحیفه نور، ج ۸: ۴۷).

با توجه به موارد بالا می‌توان گفت که تربیت سیاسی از دیدگاه امام (ره) روی آوردن آزادانه و آگاهانه به سمت ارزش‌های والای انسانی است. امام (ره) مدام تأکید می‌کند که تنها نظامی که با انسان چه در منزل و چه در بیرون کار دارد، اسلام است و او به دنبال انسان‌سازی است، اسلام است که می‌تواند انسان را از مرتبه طبیعت تا مرتبه روحانیت و مافوق روحانیت تربیت کند. اسلام آمده که طبیعت را به سمت روحانیت و توحید بکشانند و طبیعت را مهار کند (صحیفه نور، ج ۸: ۴۱۵).

امام خمینی (ره) از سه نوع سیاست سخن می‌گوید و تنها یکی از این سه را تأیید می‌کند: سیاست شیطانی؛ که دروغ و تزویر، استبداد، دیکتاتوری، سلطه هوای نفس جز ویژگی‌های آن است. نوع دیگری از سیاست از دیدگاه امام (ره) سیاست حیوانی و جسمانی است که با این‌که در اهداف خود صحیح است و از دروغ و نیرنگ به دور است، اما فقط بعد حیوانی و مادی افراد را در نظر می‌گیرد و هدف آن تأمین مصالح عمومی و اجتماعی است و توجهی به بعد معنوی و روحانی و سعادت اخروی ندارد (صحیفه نور، ج ۱۳: ۴۳۱). اگرچه سیاست در این نوع سیاست صحیح است، اما تک‌بعدی است. امام (ره) سیاست راستین را سیاست الهی و اسلامی می‌داند که هم به دنبال مصالح دنیوی و هم اخروی است. از منظر امام

(ره) سیاست هدایت و راهبرد جامعه و تأمین مصالح کلی انسان‌ها و حرکت آن‌ها در مسیر فطرت است که از طریق تهذیب، راهنمایی و تربیت آن‌هم در بستر حکومت اسلامی تحقق می‌یابد.

سابقه و پیشینه پژوهش

به دلیل اهمیت تربیت سیاسی شهروندان در نظام‌های سیاسی- اجتماعی مختلف، پیرامون این موضوع پژوهش‌های متعدد صورت گرفته است. هریک از این پژوهش‌ها متعلق به جامعه خاص موردنظر پژوهش‌گران بوده است. در زمینه تربیت سیاسی در ایران نیز پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. به عنوان مثال می‌توان به آثار زیر اشاره نمود:

۱- کتاب تربیت سیاسی نوشته فاطمی راد و دیگران (۱۳۹۵). این کتاب به مفهوم تربیت سیاسی پرداخته است و مفاهیم مرتبط با تربیت سیاسی را موردبررسی و کندوکاو قرار داده است. در این کتاب نگارنده، اهمیت و ضرورت تربیت سیاسی در جوامع امروز را بیان نموده و به بررسی عوامل مؤثر بر تربیت سیاسی پرداخته است. مؤلفان کتاب، تربیت سیاسی از دیدگاه اسلامی را نیز موردبررسی قرار داده‌اند.

۲- کتاب فلسفه تعلیم و تربیت (قدیم و معاصر) نوشته جان الیاس^۱ با ترجمه ضرابی (۱۳۸۵). این کتاب فلسفه تعلیم و تربیت را از دیدگاه‌های مختلف موردبررسی قرار داده است. فصل ششم این کتاب مبحث تربیت سیاسی را موردبررسی قرار داده است. در این کتاب جان الیاس، چشم‌اندازهای تاریخی و دیدگاه‌های متفاوت در مورد تربیت سیاسی را در کانون توجه قرار داده و نظریات متفکرین را در قالب دیدگاه‌های متفاوت بررسی می‌کند.

۳- مقاله «مبانی فلسفی تربیت سیاسی از منظر جان لاک^۲ و امام خمینی (ره)» نوشته جاویدی کلاته جعفرآبادی (بهار ۱۳۹۴). در این پژوهش مبانی فلسفی جان لاک به عنوان پیشگام و بنیان‌گذار لیبرالیسم سیاسی و امام خمینی (ره) به عنوان نظریه‌پرداز نظام سیاسی نوین مبتنی بر فلسفه سیاسی اسلامی موردبررسی قرار گرفته است. مقایسه آرا و اندیشه‌های این دو اندیشمند نشان از وجود برخی شباهت و هم‌پوشانی در مفاهیم مرتبط با سیاست و تربیت سیاسی، هم چون مقبولیت مردمی نظام سیاسی و هم چنین وجود نکات افتراق فراوان است. می‌توان مهم‌ترین مبنای افتراقی را محوریت توحید در تمام

1. John L. Elias

2. John Locke

شئون سیاست و فعالیت‌های تربیتی و سیاسی در اندیشه امام و فقدان این بنیان نظری در اندیشه جان لاک دانست.

۴- مقاله «مبانی و مؤلفه‌های تربیت سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره)» نوشته سلحشوری و دیگران (زمستان ۱۳۹۱). در این پژوهش مبانی و مؤلفه‌های تربیت سیاسی از دیدگاه امام خمینی مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش عمده‌ترین مبانی تربیت سیاسی از دیدگاه ایشان را؛ توحید محوری، فطرت محوری، تزکیه محوری و اخلاق محوری معرفی می‌نماید. در مورد مؤلفه‌های تربیت سیاسی نیز پژوهشگران، آگاهی، خودشناسی، آزادی، استقلال و عدالت را نام برده‌اند. نکته مهم در این پژوهش این است که امام خمینی سیاست و تربیت را از زاویه احکام دین مورد کنکاش قرار می‌دهند و تربیت سیاسی بر اساس پارادایم توحید، تعریف و تبیین می‌گردد.

۵- مقاله «جایگاه تربیت سیاسی و نقش آن در پیشگیری از رخنه‌های سیاسی فرهنگی در انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری» نوشته رحیمی و دیگران (تابستان ۱۳۹۴). این پژوهش به ارتباط نهادهای تربیتی با تربیت سیاسی پرداخته است. ارکان تربیت سیاسی بر سه عنصر شناخت سیاسی، احساس سیاسی و حس شایستگی سیاسی متکی است. نگارنده آرا و نظریات امام خمینی و مقام معظم رهبری در مورد سه‌گانه مطرح شده را بیان می‌کند. از نظر امام خمینی احساس لزوم حفظ نظام، روحیه اعتماد به نفس و استقلال فرهنگی، احساس عزت و اقتدار و فرهنگ استقامت و شهادت عوامل مؤثر بر پرورش احساس سیاسی هستند.

۶- مقاله «مبانی و شاخص‌های اخلاق و تربیت سیاسی امام خمینی (ره) در جهت جذب افراد در تحقق انقلاب اسلامی» نوشته عباسی و همکاران (بهار ۱۴۰۳). نویسندگان در این مقاله بیان می‌کنند که امام خمینی (ره) برخلاف حاکمان سیاسی جوامع دیگر در چارچوب آموزه‌های اسلامی - شیعی اعتقاد به تداوم فرم و محتوای سیاسی رهبری پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) در دوران غیبت شخص معصوم داشت. به همین منظور در مقاله حاضر تلاش می‌شود به این سؤال پاسخ داده شود که مبانی و مؤلفه‌های اخلاق و تربیت سیاسی امام خمینی در جهت جذب افراد در تحقق انقلاب اسلامی چه بوده است؟ فرضیه اصلی مقاله در پاسخ به این سؤال بدین ترتیب است که در اندیشه امام خمینی (ره) با ابتدا بر مبانی وجودگرایی فلسفی و تعریف انسان به مثابه موجودی رو به سوی تعالی که باید با تربیت سیاسی طی مسیر نماید و همچنین بازتاب ویژگی‌هایی چون تواضع، ایمان، امیدواری، عدالت، مدارا، انتقادپذیری،

ساده زیستی، خودسازی، تکلیف گرایی و صداقت را به طور عینی، مبانی و شاخص های اخلاق و تربیت سیاسی را به منظور جذب حداکثری افراد در تحقق و پیروزی انقلاب اسلامی می باشد.

همان طور که بیان گردید، در مورد تربیت سیاسی پژوهش های متعددی توسط پژوهشگران و متفکرین مختلف صورت گرفته است. ویژگی این پژوهش بررسی مبانی و اهداف تربیت سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره) به عنوان نظریه پرداز سیاسی مبتنی بر احکام شریعت اسلام و پرچم دار حکومت سیاسی مبتنی بر فقه سیاسی اسلام در قرن اخیر است.

روش پژوهش

با توجه به ماهیت و کیفیت تحقیق، روش این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است. جمع آوری داده ها بر اساس مطالعه منابع کتابخانه ای، بانک های اطلاعاتی و اسنادی است. روش تحلیل داده های کیفی از نوع تجزیه و تحلیل توصیفی است؛ بدین صورت که مؤلف ها و ویژگی های هر یک از متغیرهای موجود در پژوهش، در تحلیل تشریح می شود.

مبانی نظری تحقیق

از مهم ترین ابعاد تربیت که همواره مورد توجه متفکرین، اندیشمندان و فلاسفه بوده است، تربیت سیاسی است. تربیت سیاسی فرایندی است که دانش ها، ارزش ها و نگرش های نظام سیاسی را به نسل نو منتقل و موجبات پایداری نظام سیاسی را فراهم می آورد. در واقع نظام های سیاسی پیشرفته تر نیازمند شیوه هایی از تعلیم و تربیت هستند که افراد را نه تنها برای عضویت یا شهروندی که برای رهبری یک واحد سیاسی نیز آماده سازند. هر نظام جدیدی امکانات لازم برای این تربیت سیاسی یا مدنی را فراهم می کند، گو این که هر حکومتی تعلیم و تربیت خود را دارد.

۱- سیر تاریخی- فکری تربیت سیاسی: تربیت سیاسی قدمتی به طول تاریخ بشر دارد و همواره پیوندی عمیق میان ساختارهای سیاسی و نهادهای تربیتی وجود داشته است. نظام های تربیتی به صورت بخشی از ساختار سیاسی، نه تنها مهارت های اساسی و شغلی را به جوانان آموزش می دهند، بلکه تعلیم و تربیت گسترده ای را برای شهروندی فراهم می آورند که شامل دروسی در زمینه تاریخ ملی، مطالعات اجتماعی و نیز فعالیت های آموزشی سازمان یافته است (الیاس، ۱۳۸۵: ۱۸۰). آنچه مهم به نظر می رسد

این است که تربیت سیاسی مقوله‌ای است که نقش بسیار مهمی در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی دارد. همواره نظام‌های سیاسی سعی بر القای ارزش‌های موردنظر خود بر سازمان جامعه دارند و در خلال این القابین ارزش‌های نظام سیاسی و نگرش عمومی پیوند به وجود می‌آید. هر چه میزان جامعه‌پذیری سیاسی بیشتر باشد به همان میزان پیوند بین دولت و جامعه عمیق‌تر و وسیع‌تر است و در نتیجه حاکمیت از مشروعیت بالاتری برخوردار می‌گردد.

اندیشمندان تعلیم و تربیت نظریاتی متفاوت در مورد تربیت انسان دارند. افلاطون و ارسطو به عنوان پیشگامان امر تربیت انسان به نظریه‌پردازی در این مورد پرداخته‌اند. در دیدگاه افلاطون و ارسطو سیاست بر اساس و مرتبط با تربیت و اخلاق تعریف شده است. منظور افلاطون از تربیت عبارت است از هدایت جنبه‌های گوناگون روح و شکوفایی قابلیت‌های نهفته در آن است. افلاطون معتقد است: «اگر اعضای جامعه را به تناسب استعدادهای خود به کار بگماریم، هرکس خواهد توانست به حد اعلی برای جامعه سودمند باشد. کسی می‌تواند به خوشی زندگی کند که همواره نسبت به اعمال خود بصیر و آگاه باشد و غایات کارهای خود را بشناسد. چنین کسی باید ذهنی روشن و جامع داشته باشد. چنین ذهنی فقط در یک جامعه منظم با هماهنگی که از تحول مصون باشد، تحقق می‌پذیرد» (دیویی به نقل از حاتمی فارسی، ۱۳۹۶: ۳۱).

نقطه محوری در اندیشه‌های افلاطون و ارسطو در باب سیاست، تربیت، پرورش دادن و رهنمود دادن می‌باشد. فارابی در زمره اولین اندیشمندان اسلامی است که بحث تربیت را مدنظر قرار داده است. فارابی نظریات تربیتی خود را با تکیه بر آرای فلاسفه یونان، افلاطون و ارسطو بیان کرده است. از نظر فارابی همه انسان‌ها فطرتی سالم و مشترک دارند که در سایه آن می‌توانند معارف و معقولات اولیه را درک کرده و بپذیرند. وی این فطرت مشترک را که وجه مشترک میان همه انسان‌های سلیم الطبع است، پایه و بنیاد سعادت همگانی معرفی کرده و یادآور می‌شود که با وجود چنین وجه مشترکی، هر فردی ویژگی‌ها و خصوصیات مخصوص به خود دارد که سبب تفاوت کمی و کیفی افراد در قدرت استنباط، درک و فهم امور مختلف می‌شوند. از نظر او فطرت طبیعی در انسان‌ها به صورت بالقوه بوده و برای به فعلیت رساندن آن و نیز ایصال به کمال نهایی یا دست‌کم نزدیک کردن آن به کمال نهایی در پرتو انجام مقتضیات خود، نیاز به ریاضت، تمرین و تقویت به وسیله اراده است (فارابی، ۱۳۷۶: ۲۴۲-۲۴۰).

تربیت سیاسی را با مفاهیم دیگری هم چون جامعه‌پذیری سیاسی و تربیت شهروندی هم معنا می‌دانند. اصولاً تربیت سیاسی به بعد اجتماعی زندگی انسان می‌پردازد. تربیت سیاسی یا جامعه‌پذیری سیاسی فرایندی است که از طریق آن جامعه، گرایش‌ها، نگرش‌ها، دانش‌ها و ارزش‌های سیاسی و اجتماعی خود را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند. تربیت سیاسی ضمن پرورش شهروندان آگاه و متعهد، آنان را با معیارها ارزش‌ها، هنجارها و اهداف جامعه سیاسی آشنا می‌سازد. تربیت سیاسی موجب ثبات سیاسی، ایجاد فضای مناسب برای مشارکت سیاسی و حضور اقشار مختلف جامعه در کنش‌های سیاسی را فراهم می‌آورد. حمایت حداکثری افراد جامعه ضامن بقای نظام سیاسی است؛ بنابراین نظام‌های سیاسی تلاش همه‌جانبه‌ای برای انتقال موارث خود به نسل‌های نو می‌کنند. یکی از راه‌های انتقال این موارث سیاسی و اجتماعی تربیت سیاسی است. نظام‌های سیاسی از طریق تربیت سیاسی، احساس وفاداری به نظام سیاسی، میهن‌پرستی و ارزش‌های سیاسی را در شهروندان تقویت می‌کنند و بدین‌وسیله مشروعیت و سطح پشتیبانی از نظام سیاسی افزایش می‌یابد که موجب استحکام نظام سیاسی می‌شود (اخترشهر، ۱۳۸۶: ۴۴).

تربیت سیاسی که به آن پرورش سیاسی نیز گفته می‌شود جریانی است که شخص از طریق آن جهت‌گیری سیاسی خود را در جامعه کسب می‌کند و به این ترتیب، ارزش‌های سیاسی و اجتماعی از یک نسل به نسل بعدی منتقل می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت تربیت سیاسی، جذب و درونی کردن هنجارها و ارزش‌های نظام سیاسی جامعه است. تربیت سیاسی آماده کردن افراد برای زندگی است که به‌واسطه آن افراد از حقایق، تعابیر و قضاوت‌ها برای شکل دادن به موضع ارزشی خود استفاده می‌کنند. در تربیت سیاسی تأکید بر ایجاد دانش، نگرش و مهارت دهی سیاسی است. هدف تربیت سیاسی، پرورش افرادی است که سواد سیاسی دارند (به نقل از فاطمی راد، ۱۳۹۵: ۲۱).

مایکل راش^۱ تربیت سیاسی را فرایندی می‌داند که به‌وسیله آن افراد جامعه‌ای معین با نظام سیاسی آشنا می‌شوند و تا اندازه‌ای قابل توجه ادراکشان از سیاست و واکنش‌هایشان به پدیده‌های سیاسی تعیین می‌شود (راش، ۱۳۸۷: ۱۰۲). تربیت سیاسی مفهومی است که مؤلفه مهمی از تربیت دموکراتیک به‌عنوان یک مفهوم وسیع‌تر است. پس تربیت سیاسی تنها به برنامه درسی و آموزش در کلاس‌های درس محدود نمی‌شود بلکه مدیریت و سازمان و ساختار مدرسه را نیز در برمی‌گیرد (به نقل از فاطمی راد، ۱۳۹۵: ۲۱).

1. Michael Rush

طبق تعاریف فوق اگر در سیاست، مشارکت با نظارت بر دولت، حکومت و قدرت سیاسی موضوعیت دارد، تربیت سیاسی عبارت است از «فعالیتی مستمر و منظم، برای شکوفا نمودن استعداد های افراد، جهت تولید، کسب، حفظ و توزیع قدرت سیاسی، دولت و حکومت و یا نظارت بر آن است» (منصورنژاد، ۱۳۸۸: ۱۰).

تربیت سیاسی در حکومت دینی نوعی تربیت دینی در بُعد سیاسی آن محسوب می شود. از منظر دینی می توان تربیت سیاسی را فرایندی دانست که در آن زمینه ها و بسترهای لازم برای رشد و پرورش استعداد های فرد مهیا می شود و در اثر تدبیر و مدیریت مطلوب، به روی حفظ و تداوم مصالح دنیوی و اخروی حرکت می کند. لذا فرد تربیت شده سیاسی اسلامی، شهروندی است که وظایف سیاسی، دینی، اسلامی خود را می شناسد و به آن عمل می کند.

مبانی تربیت سیاسی در دیدگاه اسلامی مبتنی بر دیانت اسلامی بوده و هدف از آن تحقق حاکمیت الله در جامعه و حفظ نظام اسلامی است. فرد تربیت شده اسلامی از منظر دینی در فرایند تربیت سیاسی می آموزد که ابتدا محیط پیرامون خود را بشناسد سپس بر اساس آموزه های دینی، آن را تجزیه و تحلیل کند و در مرحله بعد موضع دین مدارانه داشته باشد؛ به عبارتی موقعیت شناسی، وضعیت سنجی و موضع گیری مبتنی بر دین، برآیند تربیت سیاسی در اندیشه اسلامی است که امروزه از آن به بینش سیاسی تعبیر می شود. تربیت شدگان سیاسی چنین مکتبی نسبت به سرنوشت کشور خود بی اعتنا نخواهند بود، چنان که خداوند در قرآن می فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ؛ مَوْمِنَانِ واقعی کسانی هستند که گذشته از ایمان به خدا و پیامبر، در مسائل اجتماعی نیز رهبران الهی خود را رها نمی کنند.» (نور، ۶۲).

نکته قابل توجه در تربیت سیاسی در اسلام، دوسویه بودن تربیت است. بدین معنی که تربیت امری یک طرفه از سمت نهاد حکومت نیست و مترییان نیز باید نقش خود را ایفا نموده و با استفاده از ابزارهایی از جمله امر به معروف و نهی از منکر بر امور کارگزاران و رهبران حکومت اسلامی نظارت نمایند. در اینجا تفاوت دقیق تربیت در اسلام با سایر مکاتب تربیتی مشخص می گردد که بر اساس این فرآیند تربیت سیاسی در اسلام نوعی فرآیند عملی است و فرد روحیه نقادی و نظارت نسبت به مربی خود پیدا می کند (مهبجور، ۱۳۹۳: ۲۸).

اگر انسان و افراد جامعه از تربیت والای اجتماعی و سیاسی برخوردار باشند و شخصیت آن‌ها بنا بر اقتضائات جامعه، متناسب با فرهنگ سیاسی و اجتماعی تعالی یافته باشد، مسیر بالندگی جامعه هموار خواهد بود و زمینه‌های لازم برای تحقق وعده‌های الهی مهیا خواهد بود. شهید مطهری تربیت سیاسی را از شاخه‌های حکمت عملی در حوزه تدبیر مدرن قرار می‌دهد و بیان می‌کند که آنچه حکمت عملی خوانده می‌شود، اندیشه‌هایی است که خود اجتماعی بشر برای وصول به کمالات و اهداف خود می‌آفریند (مطهری، ۱۳۸۰: ۳۶). تربیت سیاسی از دیدگاه امام خمینی فرایندی است که هدف آن جامعه‌داری یا کشورداری مبتنی بر فطرت است و به عبارت دیگر فطرت انسان است که در سعادت‌مندی یک ملت و کشور و جامعه نقش اساسی دارد و این امر دست‌یافتنی نیست مگر با تربیت الهی که پرچم‌دار آن انبیاء ائمه و صالحان هستند. در اندیشه امام، تربیت سیاسی، روی آوردن آگاهانه و آزادانه به سمت ارزش‌های انسانی است (امام خمینی به نقل از احمد سلحشوری، ۱۳۹۱: ۱۱۴).

۲- نظریه‌های تربیت سیاسی: دانشمندان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی به‌خصوص دانشمندان حوزه جامعه‌شناسی سیاسی، درباره کارکردهای سیاسی نظام‌های آموزشی و تربیتی دیدگاه‌های گوناگونی ارائه کرده‌اند که این دیدگاه‌ها موجب پیدایش نظریه‌های گوناگونی از قبیل نظریه‌های محافظه‌کاری، انتقادی، دموکراتیک و پست‌مدرن شده است. در ادامه این دیدگاه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند.

الف) نظریه محافظه‌کاری: اساس نظریه محافظه‌کاری^۱؛ حفظ وضع موجود است. در این نظریه مراکز آموزشی مجرب برای انتقال باورها و سنت‌های موردنظر نظام سیاسی به بدنه جامعه است. در این حالت نهادهای آموزش و پرورش و آموزش عالی فقط در جهت حفظ، تحکیم و تداوم وضع موجود تلاش می‌نمایند. بر اساس این نظریه نظام‌های آموزشی رسمی باید بکوشند دانش آموزان و دانشجویان را با نهادهای سیاسی جامعه آشنا کنند و علاوه بر انتقال فرهنگ سیاسی موجود آن‌ها را به حکومت وفادار سازند. خصیصه ممتاز محافظه‌کاری را گرایش آن به محافظت از مؤسسات و شرایط تثبیت یافته تشکیل می‌دهد. محافظه‌کاری بر سنت به مثابه قدرتی قوام‌بخش تأکید می‌کند، برای جامعه قائل به مفهوم سلسله مراتبی است و برگزیده به عنوان منبع هدایت تأکید می‌کند (حاتمی فارسی، ۱۳۹۶: ۴۲).

ب) نظریه انتقادی: نظریه انتقادی^۲ نوعی نظریه اجتماعی است که بر خلاف نظریه محافظه‌کارانه که

1. Conservatism theory

2. Critical theory

به فهم و توضیح جامعه و حفظ وضعیت موجود جامعه تمایل داشت، به نقد و تغییر آن به طور کلی، گرایش دارد. هدف این نظریه سر در آوردن از عوامل عمقی و ریشه‌ای زندگی اجتماعی و جستجو در مفروضاتی است که ما را از فهم کامل و درست طرز کار جهان باز می‌دارد (علاقه‌بند، ۱۳۹۴: ۸۶). در نظر این نظریه‌پردازان ساختارهای طبقاتی، اقتصادی موجود در جامعه، موجب تسلط طبقه بالاتر بر طبقه پایین‌تر اجتماعی می‌شود. در نتیجه افراد طبقه پایین برای رهایی از وضعیت موجود به نوعی تفکر رهایی‌بخش نیاز دارند. این نظریه به دنبال ارائه الگویی جدید از جامعه‌پذیری برای رسیدن به عدالت اجتماعی است. در این الگو از واژه‌هایی مانند رهایی‌بخش، استیلا و برتری، تحولات اجتماعی و از این دست به فراوانی استفاده می‌شود. در این نظریه آزادسازی و رهایی بخشی به معنای آزادی خود از قیدوبندهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است.

ج) نظریه پست مدرنیسم: در دهه‌های اخیر، جهان شاهد شکل‌گیری یک جریان فلسفی - اجتماعی جدید بود؛ جریانی که به رغم گستردگی خاص خود حوزه‌های مختلف زیباشناسی، هنر، ادبیات و علوم اجتماعی را به چالش فراخواند. این جریان فلسفی - اجتماعی که از آن به پست مدرنیسم^۱ یاد می‌شود، در حقیقت انتقاد از مدرنیسم و بررسی بن‌بست‌های آن بود. پست مدرنیسم بیانگر نوعی احساس سردرگمی نسبت به وضعیت انسان و جامعه در عصر مدرن است.

پست مدرنیسم به مجموعه پیچیده‌ای از واکنش‌هایی مربوط می‌شود که در قبال فلسفه مدرن و پیش‌فرض‌های آن صورت گرفته‌اند، بدون این‌که در اصول و عقاید اساسی کمترین توافقی بین آن‌ها وجود داشته باشد. در واقع پست مدرنیسم دیدگاهی سنت‌شکنانه می‌باشد که به ادعاهای مطلق‌گرایانه مدرنیسم پایان داد و ادعای قطعیت عینی را رد می‌نماید. پست مدرن‌ها یک تعلیم و تربیت رهایی‌بخش را اراده می‌نمایند. آن‌ها به دنبال یک دموکراسی رادیکال می‌باشند. جامعه مطلوب پست مدرن‌ها جامعه‌ای است که در آن صداهای دیگر شنیده می‌شوند؛ یعنی رد پای گرایش‌های فرهنگی در آن دیده می‌شود (باقری، ۱۳۷۵: ۷۹).

د) نظریه دموکراتیک: نظریه دموکراتیک^۲ نظریه‌ای بر خواسته از آموزش و پرورش پیشرفت‌گراست که در دهه دوم قرن بیستم در ایالات متحده آمریکا ظهور و شروع به فعالیت نمود. پیشرفت‌گرایی جهان‌نگری‌ای

1. postmodernism theory

2. Democratic theory

مبتنی است بر این باور که بهبود و اصلاح شرایط انسان و جامعه هم ممکن است و هم مطلوب. مکاتب پیشرفت گرایی در قالب جنبشی سیاسی - اجتماعی معتقد بود که جامعه انسانی را می توان از طریق اصلاحات اجتماعی تغییر شکل داد. پیشرفت گرایان معتقدند که مدارس جزئی از قلمرو وسیع اصلاح نهادی و اجتماعی می باشند. رهبران پیشرفت گرا در سیاست، نماینده آن چیزی بودند که ماهیت مبین جهان نگر طبقه متوسط در قبال اصلاحات بود که شاخصه آن را تحول تدریجی از طریق قانون گذاری و نوآوری آرام از راه آموزش و پرورش تشکیل می داد.

در واقع دیدگاه دموکراتیک نوعی نظریه بینابینی بین نظریه محافظه کاری و نظریه انتقادی است. نه مانند دیدگاه محافظه کاران منفعل و فقط حافظ سنت فرهنگی است و نه مانند دیدگاه انتقادی، انقلابی است (فاطمی راد، ۱۳۹۵: ۱۲). از طریق تربیت دموکراتیک می توان اصول دموکراتیک، مثل آزادی، برابری، همدردی، برادری، اعتماد، مسئولیت پذیری، احترام به نظرهای دیگران و عقلانیت را در ذهن متربیان نهادینه کرد، هم چنین تربیت دموکراتیک می تواند دانش مهارت و منش دموکراتیک را در دانش آموزان ایجاد کند. تربیت دموکراتیک می تواند راهبردی دوسویه باشد که جهت نخست آن، تدریس و آموزش مستقیم دانش و ارزش های دموکراتیک، حقوق انسانی و ... است و جهت دوم آن فراهم آوردن فرصت های واقعی، به منظور تجربه کردن اصول دموکراسی در محیط های یادگیری است (جاویدی کلانه، ۱۳۸۸: ۴۵). از میان نظریه های فوق، نظریه دموکراتیک از لحاظ شکلی در امر تربیت سیاسی به دیدگاه امام خمینی (ره) نزدیک است، هر چند ماهیت متفاوتی با هم دارند؛ چون اندیشه امام خدا باوری است و نظریه دموکراتیک انسان باوری است. نظریه دموکراتیک نه تنها بر مشارکت فعال مردم تأکید دارد بلکه به رشد آگاهی سیاسی مردم نیز پرداخته و با اصول اسلامی در زمینه آزادی های سیاسی همخوانی دارد. در نتیجه، نظریه دموکراتیک تا حدی تطابق با موضوع پژوهش دارد.

مبانی تربیت سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره)

افق دید و اندیشه امام خمینی (ره) متعلق به سپهر خدامحوری است و بر این اساس، امام مفاهیم و گزاره ها را بازتولید می کند. با توجه به مبانی نظری امام و مؤلفه های جهان بینی که سیاست را نوعی هدایت انسان در مسیر الهی و تربیت را رسیدن به قرب الهی می دانند، می توان گفت عمده ترین مبانی تربیت سیاسی از منظر امام عبارت اند از: توحید محوری، فطرت محوری، تزکیه محوری و اخلاق مداری.

۱- توحید محوری: امام خمینی (ره) حق حاکمیت بر انسان را از آن خدا می‌دانند. به اعتقاد امام خالق همه موجودات خدای متعالی است که مالک و عالم به همه چیز است. در دیدگاه امام حکومت اسلامی، حکومت قانون الهی است. در این نوع حکومت حاکمیت منحصر به خدا و قانون و فرمان و حکم اوست. در دیدگاه خدامحور خداوند مرجع صدور قوانین است و انسان فرمان‌بردار احکام الهی است. در این دیدگاه مهم‌ترین شاخص حکومت اسلامی، حاکمیت قانون است که منبع و منشأ این قانون، حاکمیت خداوند است. امام ریشه و اصل همه عقاید که مهم‌ترین و با ارزش‌ترین اعتقادات ماست را اصل توحید می‌داند و معتقد است که این اصل به ما می‌آموزد که انسان‌ها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشند و از هیچ انسانی اطاعت نباید کرد، مگر این اطاعت، اطاعت امر خدا باشد (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۲: ۴۴).

بر اساس پارادایم توحید، امام خمینی جامعه‌ای توحیدی را به تصویر کشید که تداعی‌کننده بعد اجتماعی یا به عبارتی بازتولید جامعه‌شناختی اصل فلسفی وحدت در کثرت و کثرت در عین وحدت بوده است. امام در توضیح جامعه توحیدی می‌گوید: «جامعه توحیدی عبارت است از جامعه‌ای که با حفظ همه مراتب یک نظر داشته باشد، کأنه یک موجودند. قشرهای دولت، رئیس‌جمهور، پایین‌تر، همه با حفظ مراتب‌شان یک مقصد داشته باشند و آن یک مقصد الهی، همانا قرب الهی است» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۱: ۴۶۹). مقصد در جامعه توحیدی، بر اساس معنویت است. در چنین جامعه‌ای حکومت نه برای سلطه بر مردم، بلکه حکومت جلوه‌ای از جلال الوهیت است و دنبال تحقق حکومت الله و تربیت انسان‌های الهی است (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۸: ۴۳۵). جامعه توحیدی در گرو وجود افراد موحد است و برای نیل به این منظور تربیت افراد جامعه بر اساس پارادایم توحید باید صورت پذیرد. مقصد نهایی تربیت سیاسی در چنین جامعه‌ای رسیدن به مقام قرب الهی است که همان هدف بزرگ انبیاء الهی است.

۲- فطرت محوری: حضرت امام خمینی (ره) در زمره اندیشمندان و متفکرانی است که به فطرت معتقد است. فطرت در لغت به معنای آغاز کردن و شکافتن است. امام خمینی در توجیه این معنی می‌فرماید: «خلقت، گویی پاره نمودن پرده عدم و حجاب غیب است» (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۱۷۹).

امام خمینی معتقدند در وجود انسان دو سنخ فطرت وجود دارد، یکی فطرت اصلی که بیان‌کننده ابعاد و امور فطری مثبت و صحیح است که با جذب و عشق همراه است و همان فطرت عشق به کمال مطلق

و خیر است و دیگری فطرت فرعی که سمت تابعیت دارد و آن تنفر از نقص، شر و بدی است. امام در این زمینه می‌فرماید: «یکی از آن دو فطرت، فطرت عشق به کمال و خیر و سعادت مطلقه است که در کانون جمیع سلسله بشر است. دیگری سمت فرعیت و تابعیت دارد، فطرت تنفر از نقص و انزجار از شر و شقاوت است» (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۷۷).

در قرائت امام خمینی دین و نظام اسلامی جامعیت دارد و سایر نظامات سیاسی، تربیتی، حقوقی، اجتماعی، فلسفی و... در درون منظومه دین معنا می‌یابند، چرا که دین اسلام ابعاد مختلف زندگی بشری اعم از مادی و معنوی، دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی و مراحل گوناگون زندگی انسان و مناسبات آن با دیگران اعم از طبیعت، ماوراء الطبیعت، هموعان و غیره را معنا می‌بخشد، بنابراین اگر هدایت و رهبری کاروان بشری به سوی فطرت را نقطه مشترک سیاست و تربیت تلقی کنیم، این بزرگ‌ترین رسالت انبیا و اولیای الهی بوده است (توحیدی، ۱۳۸۲: ۱۲۳).

امام به تبع احکام اسلامی و سیره انبیا و اولیا الهی، رسالت حکومت، سیاست و نظام سیاسی را هدایت کاروان بشری به سوی فطرت و رسیدن به مقام قرب الهی می‌داند و بر همین اساس فطرت‌گرایی را از مبانی تربیت سیاسی می‌داند.

۳- اخلاق‌مداری: اخلاق جمع «خلق» است که به معنای شکل باطنی و نفسانی انسان است. همان‌گونه که شکل ظاهری انسان یعنی «خلق» متصف به صفات زیبا و زشت می‌شود، شکل باطنی انسان نیز دارای اوصاف خوب و بد و زشت و زیبا است. امام خمینی (ره) با بیان دو عالم برای انسان توصیه می‌کند که انسان، ابتدا اخلاق فاسده را از مملکت روح خود بیرون نماید و در جهاد با نفس پیروز گردد. از نظر امام تا انسان تربیت به آداب شریعت نگردد هیچ یک از اخلاق حسنه به طور حقیقی برای او پیدا نمی‌شود و نهایت این که غایت اخلاق با موفقیت در جهاد اکبر به دست می‌آید.

امام خمینی (ره) به مسئله اخلاق و سیر و سلوک به نوعی در قالب سیاسی می‌نگرند. امام خمینی (ره) اهمیت خاصی برای اخلاق‌مند بودن جامعه و هم‌چنین مناسبات سیاسی قائل است و سلامت جامعه و رشد و اعتلای سیاست را در گرو نهادینه شدن اخلاق از طریق آموزش و تربیت می‌داند، به عبارت دیگر: «زمانی جوامع اسلامی مسیر رشد و پیشرفت را طی خواهند کرد که تربیت مبتنی بر اخلاق باشد. در نگاه کلی می‌توان چنین گفت که اسلام، اخلاق‌مندی جامعه را بستر توسعه دانسته و به این صورت از فرهنگ

به عنوان عاملی مؤثر و زیر بنایی نسبت به سیاست تأکید می‌ورزد» (باقری، ۱۳۸۹: ۱۴۵).

امام خمینی (ره) معتقد است مباحث اخلاقی بایست رغبت و شوق انجام عمل اخلاقی را هم پدید آورد که این ترغیب و عمل توسط ایمان فراهم می‌شود. اخلاق می‌تواند جلوی حرکت قهری و طبیعی انسان را به سمت طبیعت بگیرد و او را به سمت ملکات فاضله ببرد و تمایز انسان‌ها با همدیگر در کسب اختیاری فضایل است و کسب فضایل باعث می‌شود که تا انسان سیری رحمانی داشته باشد (اردبیلی، ۱۳۸۱: ۳۳۹-۳۳۵). بر اساس اندیشه امام، برای تحقق اهداف پیامبران از تشکیل جامعه سیاسی که همان رسیدن به قرب الهی و تحقق اخلاق در جامعه اسلامی است باید حکومتی دینی وجود داشته باشد و بر همین اساس یکی از مبانی تربیت سیاسی از منظر ایشان اخلاق‌مداری است.

۴- تزکیه محوری: تزکیه در لغت به معنای پاک و بی‌آلایش کردن است (عمید، ۱۳۷۱: ۳۸۶). امام خمینی (ره) تزکیه را یکی از مبانی مهم تربیت سیاسی می‌داند و تزکیه را یکی از عوامل مهم برای رهایی از حکومت طاغوت و زمینه اصلاح جامعه به شمار می‌آورد. امام اهمیت تزکیه را تا حدی می‌داند که معتقد است علت عقب ماندگی مسلمانان، قرار گرفتن افراد غیر فرزانه در مصدر امور آنان است.

امام خمینی (ره) شرط اصلاح و تربیت جامعه را تزکیه مرییان می‌داند و بیان می‌کنند: «تا اصلاح نکنید نفوس خودتان را و از خودتان شروع نکنید و خودتان را تہذیب نکنید، شما نمی‌توانید دیگران را تہذیب کنید، آدمی که خودش آدم صحیحی نیست، نمی‌تواند دیگران را تصحیح کند، هر چه هم بگوید، فایده ندارد» (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۲۱۳).

تزکیه به عنوان اصلی ترین مقصد انبیاء و به عبارت دیگر، مقصد اساسی تعلیم و تربیت نیز به حساب می‌آید. امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرمایند: «انگیزه بعثت این است که ما را از این طغیان‌ها نجات دهد و ما تزکیه کنیم خودمان را، نفوس خودمان مصفا کنیم و نفوس خودمان را از این ظلمات نجات بدهیم، اگر این توفیق برای همگان حاصل شد، دنیا یک نور قرآن و جلوه نور حق می‌شود» (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۵۴). امام خمینی (ره) معتقد است که: «موفقیت در ساختن دیگران، در گرو توفیق در خودسازی است» و می‌فرمایند: «هر اصلاحی، نقطه اولش خود انسان است، اگر چنان چه خود انسان تربیت نشود، نمی‌تواند دیگران را تربیت کند» (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۲۲۰).

امام معتقدند انسان‌ها دائماً به تربیت نیازمندند تا تزکیه، پاک و بی‌آلایش شوند و تا افراد جامعه تزکیه

نشوند، امکان طغیان برای آن‌ها وجود دارد و بدون تزکیه هر چیزی علم یا سیاست و برای آن‌ها خطرناک است (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۴: ۳۹۳). در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) تزکیه یکی از مبانی تربیت سیاسی و وسیله‌ای برای رسیدن به توحید که مقصد و هدف نهایی است می‌باشد.

اهداف تربیت سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره)

اصولاً برای هرگونه فعالیت سیاسی - اجتماعی نوعی هدف‌گذاری صورت می‌گیرد. فرض بر این است که اهداف چراغ‌های راهنمایی هستند که وضعیت موجود را به وضعیت مطلوب نزدیک کرده یا تلاش در نزدیک نمودن دارند. بر این فرضیه اهداف تربیت سیاسی، پل ارتباط بین حالت واقعاً موجود جامعه و حالت مطلوب هستند. در اندیشه سیاسی و تربیتی امام خمینی (ره) انسان با تعیین و هدف‌گذاری تربیتی به سمت وسوی الهی شدن و هدایت و رستگاری پیش می‌رود. بر اساس سخنان و اسناد مانده از ایشان می‌توان این اهداف را در تربیت سیاسی مورد اشاره قرار داد:

۱- خدامحوری: در ابتدای مباحث بیان گردید که اندیشه امام خمینی (ره) متعلق به سپهر اندیشه خدامحوری است. گرایش به خداوند از امور فطری است که در نهاد و طبیعت آدمی سرشته شده است. امام خمینی (ره) هدف از تربیت را در خدا مانند شدن انسان‌ها می‌بیند و به همین شیوه روش تربیت را هم از ذات حضرت حق می‌جوید: «همه عالم اُمی هستند، حتی آن‌هایی که به حسب ظاهر درس‌هایی خوانده‌اند و صناعی را می‌دانند و مسائلی را اطلاع دارند، لکن همه آن‌ها نسبت به آن تربیتی که از جانب خداوند به وسیله انبیا به آن‌ها می‌شود، همه اُمی هستند، همه در ضلالت هستند» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۳: ۵۱۳).

اگر انسان بدون پذیرش حاکمیت خداوند وارد عرصه اجتماع شود یا پذیرش مسئولیت کند، با مشکل مواجه می‌شود و نتیجه آن انحطاط فرد و جامعه است. در اندیشه و نگاه امام خمینی (ره) تربیت منجر به سیر انسان به سوی توحید می‌گردد. «باید آموزش و پرورش مردم توأم باشد. پرورش، پرورش انسانی، پرورش که به درد انسان برسد، آموزشی که برای انسان باشد، جهت‌دار باشد، اسم رب در آن باشد. توجه به خدا باشد» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۳: ۲۳۰).

۲- حفظ نظام سیاسی: امام خمینی (ره) در مناسبت‌ها و سخنرانی‌های خود بارها به ضرورت حفظ نظام سیاسی تأکید داشته و آن را وظیفه شرعی - ملی دانسته‌اند. امام برای حفظ نظام سیاسی اسلام

را ودیعه الهی و حفظ آن را واجب دانسته‌اند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «امروز ما مواجه با همه قدرت‌ها هستیم و آن‌ها در خارج و داخل طرح‌ریزی می‌کنند برای این‌که این انقلاب را بشکنند و این نهضت اسلامی و جمهوری اسلامی را شکست بدهند و نابود کنند. حفظ جمهوری اسلامی از حفظ یک نفر ولو امام عصر باشد اهمیتش بیشتر است. برای این‌که امام عصر هم خودش را فدا می‌کند برای اسلام، اسلام یک ودیعه الهی است پیش ملت‌ها که این ودیعه الهی برای تربیت افراد و برای خدمت به خود افراد است و حفظ دین، بر همه‌کس واجب عینی است» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۵: ۲۲۱).

نکته مهم این است که امام با نگاهی قدسی به حکومت اسلامی، حفظ آن را واجب عینی می‌داند و بر همین اساس حفظ نظام سیاسی یکی از اهداف مهم تربیت سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره) باشد.

۳- آزادی و دموکراسی: اگر دموکراسی را روشی تعریف کنیم که بر اساس آن اراده آزاد انسان‌ها در انتخاب حاکمان خود و یا برکناری آن‌ها و تعیین سرنوشت خود دخیل باشد و در واقع شیوه حکومت بر مبنای رأی اکثریت باشد، این مطلب با مبانی تربیتی امام در تضاد نیست (پهلوان، ۱۳۷۸: ۳۶). امام در این باره فرموده‌اند: «اینجا آرای ملت حکومت می‌کند، اینجا ملت است که حکومت را در دست دارد و ارگان‌ها را ملت تعیین کرده است و تخلف از حکم ملت برای هیچ‌یک از ما جایز نیست و امکان ندارد» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۴: ۱۰۹).

امام خمینی (ره) معتقد به تعیین سرنوشت افراد هر جامعه‌ای و هر ملتی به دست و با رأی خود آن‌ها بودند و اساس دموکراسی را آزادی مردم می‌دانستند و اعتقاد داشتند: «در اسلام دموکراسی مندرج است و مردم آزادند در اسلام، هم در بیان عقاید و هم در اعمال، مادامی‌که توطئه‌ای در کار نباشد» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۴: ۲۳۴). با توجه به اهمیتی که امام خمینی (ره) به خواست و اراده آزاد ملت برای تعیین سرنوشت خود دارند، آزادی و دموکراسی از اهداف تربیت سیاسی در اندیشه ایشان می‌باشد.

۴- استقلال سیاسی، فرهنگی و حفظ تمامیت ارضی: تربیت اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) موجب حفظ استقلال سیاسی و تمامیت ارضی و عدم دخالت بیگانگان در اداره امور کشور می‌شود. امام در این زمینه می‌فرمایند: «اگر ما تربیت اسلامی شویم اگر چنانچه این مسائل بشود، ما در آتیه هم باید بگوییم که انشاء الله پیروز هستیم و مملکت‌مان تا آخر یک مملکت مستقل و یک مملکتی که از تحت فشار دیگران خارج شده و مال خودمان باشد و خودمان اداره‌اش بکنیم» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۸: ۳۶۴).

امام خمینی (ره) معتقدند ایجاد حس اعتماد به نفس در میان آحاد ملت باعث پرورش روحیه، کسب استقلال فکری و اداره مناسب کشور می‌گردد. ایشان معتقدند برای قطع وابستگی به کشورهای غربی باید با اعتماد به خداوند قدم در راه گذاشت و با تربیت مناسب، شرایط لازم برای اداره امور را به وجود آورد. امام بیان می‌کنند: «اتکال به نفس، بعد از اعتماد به خداوند، منشأ خیرات است و اگر کشورها ما را آرام بگذارند، مردم همه امور را اصلاح می‌کنند. مهم این است که شما خودتان را بیابید، زیرا در رژیم گذشته خودمان را گم کرده بودیم و آن‌ها هر کاری که می‌خواستند، کردند و به ما تزریق کردند که شما توانایی انجام کارها را ندارید» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۷: ۶۵).

۵- توسعه و رشد سیاسی: در افق دید امام خمینی (ره)، هدف از آفرینش انسان و بعثت انبیاء، تکامل انسان در همه ابعاد مادی و معنوی و البته با تقدم ابعاد معنوی است (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۱۷۰). در اندیشه ایشان توسعه به مفهوم فرایند تکامل جوامع انسانی در ابعاد مادی و معنوی است (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۳: ۵۳).

در دیدگاه امام هدف نهایی از توسعه سیاسی، ایجاد بستر و شرایط لازم برای تقرب به خدا و سیر الهی است. وجود شرایط مناسب باعث می‌شود که انسان از بند دنیا و از نقایص خود خارج شود و زمینه برای حیات حقیقی او ذیل ایده توحید فراهم آید. امام می‌فرمایند: «آن چیزی که انبیا می‌خواستند این بود که همه امور را الهی کنند، تمام ابعاد عالم را و تمام ابعاد انسان را که خلاصه و عصاره عالم است، الهی بشود» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۷: ۱۵).

نتیجه تربیت سیاسی در نظر حضرت امام تحقق شاخص‌هایی است که به تربیت انسان مهذب، آگاه و رشد یافته منجر می‌شود تا سعادت در تمام ابعاد و ساحات در کشور اسلامی تحقق یابد.

نتیجه‌گیری

در راستای پاسخ به سؤال اصلی پژوهش و با توجه به آنچه در باب مبانی تربیت سیاسی در آرا و اندیشه‌های امام خمینی (ره) بیان شد، می‌توان بیان داشت که ساحت اندیشه امام خمینی (ره) متعلق به سپهر اندیشه خدامحور است و علی‌الاصول مفاهیم، مبانی، اهداف و عوامل مؤثر تربیت سیاسی در این ساحت و با محوریت توحید معنا می‌یابند. امام خمینی (ره) سیاست و تربیت را در پرتو احکام شریعت اسلام می‌دانند و هدف نهایی تربیت سیاسی در جامعه اسلامی را، رسیدن به مقام قرب الهی می‌دانند. در اندیشه امام، تربیت سیاسی، امکانی است برای شناخت و به اجرا در آمدن احکام اسلامی در تمامی سطوح جامعه اسلامی و نظام سیاسی - اجتماعی، هم می‌بایست در این راستا سامان‌بندی شود. ایشان معتقدند تمام امکانات جامعه اسلامی می‌بایست برای رساندن جامعه به سعادت دنیوی و اخروی نظام‌مند گردد.

امام خمینی (ره) بر این عقیده‌اند که تربیت سیاسی توحیدی، همه ابعاد وجودی انسان اعم از دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد و تأمین‌کننده سعادت این جهانی و آن جهانی جامعه اسلامی است. در اندیشه ایشان تربیت سیاسی، استقلال، آزادی، رفاه و عدالت اجتماعی را برای جامعه به ارمغان می‌آورد و موجب ثبات نظام سیاسی در پرتو احکام شریعت اسلامی می‌گردد. ایشان معتقدند، هنگامی جامعه اسلامی به ساحل سعادت و نجات می‌رسد که تمامی اعمال و رفتار انسان‌ها برای رضای خداوند و بر مبنای احکام اسلامی و سیره پیامبران الهی و امامان معصوم انجام گیرد.

امام، جامعه اسلامی را به تزکیه نفس سفارش می‌کنند. تزکیه در اندیشه سیاسی امام، نقشی محوری و ارزشمند را ایفا می‌کند. ایشان، بر این عقیده‌اند، هنگامی که نفوس جامعه اسلامی از پلیدی و آلودگی، پاک گردد، دل‌های مؤمنین متوجه ذات حضرت احدیت می‌شود و برآیند آن، تربیت‌پذیری مطلوب و سعادت جامعه است.

امام خمینی (ره) معتقدند، پدران و مادران پاک سیرت زمینه تربیت فرزندان را مهیا می‌کنند و فرزندان که از تربیت صحیح اسلامی در خانواده برخوردار می‌شوند در جامعه مشکلات کمتری دارند و در بزرگسالی نیز در مسیر صلاح و سعادت گام برمی‌دارند. معلمان و مربیان تعلیم و تربیت، وظیفه دارند، دانش‌آموزان را در راستای احکام اسلامی تربیت نمایند و بهتر آن است که آموزش و تربیت توأم با عمل باشد تا تأثیر بیشتری بر

متربی داشته باشد. روحانیون به عنوان مفسران احکام شریعت اسلامی نقش پررنگ در تربیت سیاسی نسل جوان دارند و می بایست زمینه آشنایی نسل جوان با فلسفه سیاسی اسلام را مهیا سازند تا آن ها ضمن آشنایی با احکام سیاسی اسلامی در راستای اجرای آن ها فعالیت کنند.

مراسم مذهبی، ادعیه و نوحه خوانی ها از نظر امام تأثیر مهمی بر تربیت اسلامی دارند و زمینه ساز آشنایی مردم با سیره و روش انبیاء الهی و امامان معصوم می شوند و چراغی فرا روی آن ها هستند که مسیر تربیت جامعه را به سمت توحید رهنمون می سازند. امام تربیت جامعه را مختص به زمان و مکان خاص نمی دانند و معتقدند تربیت جامعه در همه ابعاد و در همه زمان و مکان ها باید صورت پذیرد، چون انسان به حکم انسان بودن در معرض خواهش های نفسانی است می بایست همواره در معرض تربیت باشد تا از مسیر توحید خارج نگردد. تربیت سیاسی در اسلام، حاصل نوعی تعامل بین نهادهای تربیتی مختلف است و در نتیجه رویکرد اسلام به تربیت سیاسی رویکردی ترکیبی است. بر همین اساس امام خمینی (ره) نسبت به تربیت سیاسی رویکرد ترکیبی را برمیگزیند. امام خمینی (ره) تربیت سیاسی را هدایت جامعه در جهت مصالح دنیوی و اخروی در نظر گرفته و تأکید می کنند که تربیت سیاسی باید به هدایت جامعه پردازد و تمام مصالح جامعه را در برگیرد و افراد را به طرف آنچه صلاحشان است، هدایت کند، صلاح ملت، صلاح فرد است و این مختص انبیاء است و دیگران از عهده این سیاست و اداره آن بر نمی آیند و این مختص انبیاء و ائمه اطهار و علمای بیدار اسلام است.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای.
۲. اخترشهر، محمد (۱۳۸۶)، مؤلفه‌های جامعه‌پذیری سیاسی در حکومت دینی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ اندیشه اسلامی.
۳. الیاس، جان (۱۳۸۵)، فلسفه تعلیم و تربیت (قدیم و معاصر)، ترجمه عبدالرضا ضرابی، چ ۲، قم: مؤسسه آموزشی امام خمینی (ره).
۴. باقری، خسرو (۱۳۸۹)، درآمدی بر تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، تهران: علمی و فرهنگی.
۵. باقری، خسرو و عطاران، محمد (۱۳۷۵)، فلسفه تعلیم و تربیت معاصر، بی‌جا: محراب قلم.
۶. برزگر، ابراهیم (۱۳۹۰)، اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)؛ سیاست به مثابه صراط، تهران: سمت.
۷. پهلوان، عاطفه (۱۳۷۸)، آزادی و دموکراسی در اندیشه امام خمینی (ره)، تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
۸. توحیدی، علی اصغر (۱۳۸۱)، قرائت امام خمینی (ره) از سیاست، تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره).
۹. جاویدی کلاته آبادی، طاهره (۱۳۸۸)، فلسفه تربیتی دموکراتیک، مشهد: به نشر.
۱۰. جعفری محمدتقی (۱۳۷۱)، «جایگاه تعقل و تعبد در معارف اسلامی»، مجله حوزه، شماره ۴۹.
۱۱. حاتمی فارسی، تورج (۱۳۹۶)، مقایسه تربیت سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره) و جان دیویی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۲. خمینی روح‌الله (امام) (۱۳۷۳)، چهل حدیث، چ ۴، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۳. خمینی، روح‌الله (امام) (۱۳۷۰)، مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره)، تهران: وزارت ارشاد.
۱۴. خمینی، روح‌الله (امام) (۱۳۷۳)، صحیفه امام خمینی (ره)، تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره).
۱۵. راش، مایکل (۱۳۸۷)، جامعه و سیاست، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سمت.
۱۶. رحیمی، سهیل و دیگران (۱۳۹۴)، «جایگاه تربیت سیاسی و نقش آن در پیشگیری از رخنه‌های سیاسی - فرهنگی در انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری

- (مدل‌العالی)، فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۳۴.
۱۷. سلحشوری، احمد و دیگران (۱۳۹۱)، «مبانی و مؤلفه‌های تربیت سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۵.
۱۸. شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۵)، فلسفه آموزش و پرورش، چ ۹، تهران: امیرکبیر.
۱۹. عباسی، مهدی و همکاران (۱۴۰۳)، «مبانی و شاخص‌های اخلاق و تربیت سیاسی امام خمینی (ره) در جهت جذب افراد در تحقق انقلاب اسلامی»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال هیجدهم، شماره ۶۶.
۲۰. علاقه بند، علی (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: نشر روان.
۲۱. عیسی نیا، رضا (۱۳۸۷)، «تربیت سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره)»، مجله راه تربیت، شماره ۵.
۲۲. فارابی، ابونصر محمد (۱۳۷۶)، سیاست مدینه فاضله، ترجمه ملک شاهی، تهران: سروش.
۲۳. فاطمی راد، محمدحسن و همکاران (۱۳۹۵)، تربیت سیاسی، تهران: وانیانیا.
۲۴. فتحی، یوسف (۱۳۸۸)، «رابطه اخلاق و سیاست با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ره)»، فصلنامه حکومت اسلامی، سال چهارم، شماره ۳.
۲۵. مرزوقی، رحمت‌الله (۱۳۸۰)، «رویکردی بر تربیت سیاسی معلمان بر اساس اندیشه‌های امام خمینی (ره)»، فصلنامه پژوهش‌های تربیت اسلامی، شماره ۵.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، انسان و ایمان، تهران: صدرا.
۲۷. منصورنژاد، محمد (۱۳۸۸)، درآمدی بر تربیت سیاسی، تهران: نشر پویا.
۲۸. مهجور، احمد (۱۳۹۳)، «رویکردهای نظری بر تربیت سیاسی با تأکید بر رویکرد اسلامی»، مجله رهاورد سیاسی، شماره ۹۳.

Foundations and Objectives of Political Education from Imam Khomeini's Perspective

Ali Moradi Behmei¹

Abstract:

Political education, as one of the pillars of social and cultural development, holds special significance. In this context, Imam Khomeini's perspective, as the founder of the Islamic Republic of Iran, is crucial in the political education of young generations and its impact on shaping the political identity of society. Imam Khomeini emphasized the necessity of educating a generation aware of and committed to Islamic and political principles, considering the roles of family and educational institutions as vital in this process. Given the importance of political education in the continuation of the Islamic Revolution, examining its foundations and objectives from Imam Khomeini's perspective is essential. This study aims to identify the key objectives of political education by analyzing Imam Khomeini's views. The research method is descriptive-analytical. The results show that, based on Imam Khomeini's thoughts, the foundations of political education include monotheism-centeredness, nature-centeredness, purification-centeredness, and ethics-centeredness. Objectives such as God-centeredness, preservation of the political system, political development and growth, and political and cultural independence should be clarified so that these foundations are reflected in the thoughts and ideas of society.

Keywords: Education, Political Education, God-centeredness, Purification-centeredness, Imam Khomeini.

Received:
2025/02/05
accepted:
2025/03/10
P.P: 141 - 165

1. Assistant Professor of Political Science at Imam Hussein (AS) Officer and Guard Training University, Tehran, Iran, moradialijan@Gmail.com

In The Name Of Allah

Research Journal of Revolutionary Education

Autumn&Winter 2024, Volume 1, issue 1 (Serial No. 1)

Concessionaire: Imam Hussein (AS) Guards Officer and Training University -
Alawite Education Center

Director-in-Charge: Dr. Ali Pourkhazaei

Editor: Dr. Bahman Zarei

Executive Manager: Dr. Behzad Jalalvand

Setting and layout: Ahmad Gheinari

Printing and binding: Balagh Printing Center

Print circulation: 10 copies

Price: 2/000/000 Rials

Publications Office Address: Qom, end of Imam Ali Highway (peace be upon him), after the exit
of the old Tehran road, General Officer Training and Alawi Guards Training Center

Publication Office Number: 02536660634

Publication Email Address: b.zaree@ihuo.ac.ir